

نقشه جنگی نوین رژیم: همه در جبهه

* تعدد ادنفرات مسنفر در جبهه جنگ ده بر ابرمی شود

* برمدت خدمت سرپازی افزوده شد

در همان روز موسوی نخست وزیر برخی از نتایج این بررسی را اعلام داشت. این سخنان دولتمردان جمهوری اسلامی حاوی نکات پر اهمیتی در شناخت طرحهای شومی است که خمینی جنگ افروز در تدارک اجرای آنست. هاشمی رفسنجانی در سخنرانی خود کوشید استراتژی نظامی رژیم را تشریح نماید. اوضمن تکرار بقیه در صفحه ۲

هاشمی رفسنجانی سخنگوی شورای عالی دفاع در روز یکشنبه هفته گذشته در سخنار فرماندهان نواحی سپاه پاسداران سیاست جنگی رژیم را در سال جاری، تشریح کرد. در همین روز رضائی فرمانده سپاه پاسداران طی یک مضافیه مطبوعاتی و رادیو - تلویزیونی جوانب دیگری از طرحهای نژادپرستانه رژیم را برملا ساخت. روز قبل از آن هیات دولت، بررسی وظایف خود در قبال جنگ را در دستور داشت.



دوشنبه ۱۹ خرداد ۱۳۶۵ - ۹ ژوئن ۱۹۸۶
بهیسا ۶۰ ریال - سال سوم - شماره ۱۱۰

رژیم بر جنایات خود،

و زندانیان سیاسی بر مقاومت خود می افزایند

همواره یکی از عوارض برجسته بحران در حاکمیت جمهوری اسلامی و ست ترکشتن پایه‌های خلافت خمینی تشدید فشار بر زندانیان سیاسی بوده است. در ماههای اخیر بر رژیم بی-سراجم ترکشتن روند جنگ و بحران اقتصادی، رژیم باز هم کینه توزانه تر با مردم مواجه می‌شود و ویژه می‌کوشد در زندانها خشم خود را از بی آینده دیدن حکومت خویش بروز دهد. در این ماهها ضمن تداوم اعدامهای همیشگی، اسامی جدیدی در لیست اعدام قرار گرفته اند. شکنجه، چه شکنجه زندانیان تازه دستگیر شده و چه شکنجه زندانیان قدیمی، همچنان ادامه دارد.

شکنجه تنها در جریان بازجویی انجام نمی‌شود. اکنون بهانه بسیاری

از شکنجه‌ها و اعمال فشارها، مقاومت زندانیان خاصه به شکل جمعی است. در همین رابطه خبر می‌رسد که در اوایل اسفند ماه سال گذشته عده زیادی از زندانیان زندان گهر دشت را به بندهای انفرادی انتقال داده اند. بند انفرادی برای ایجاد فشار متمرکز بر روی زندانی است. بهانه تشدید فشار بر روی زندانیان گهر دشت فرارویی مقاومت جمعی آنها تا حد اعتصاب غذا بوده است. مامورین این زندان به خانواده‌های زندانیان سیاسی که مدتی است از دیدن عزیزان در بند خود محروم گشته اند، گفته اند که زندانیان به دادستانی انتقال یافته‌اند. در اوین نیز عده‌ای از زندانیان را به بخشهای تازه ساخته بقیه در صفحه ۲

بیانیه شورای جهانی صلح در مورد جنگ ایران و عراق

* روز ۱۰ ژوئن روز بین المللی تلاش برای پایان دادن به

جنگ ایران و عراق اعلام شد

سازمانها و نیروهای صلح دوست و رسانه‌های همگانی بین المللی قرار گرفت. این کنفرانس روز ۱۰ ژوئن (۲۰ خرداد) را روز بین المللی تلاش برای پایان دادن به جنگ ایران و عراق اعلام کرد. در بخشهایی از این بیانیه چنین می‌خوانیم:

"هم اکنون تقریباً شش سال از آغاز جنگ ایران و عراق سپری می‌شود. جامعه بین المللی علیرغم ابعاد رنجبار خرابی‌های حاصل از این جنگ، هنوز عزم سیاسی لازم برای متوقف ساختن این جنگ را از خود بروز نداده است. این کنفرانس نشان دهنده نگرانی فزاینده خلفهای جهان و خواست مردم بقیه در صفحه ۲

در روزهای ۱۴ تا ۱۶ آوریل ۱۹۸۶ (۲۵ تا ۲۷ فروردین ۱۳۶۵) یک کنفرانس بین المللی برای پایان دادن به جنگ ایران و عراق به ابتکار شورای جهانی صلح در شهر ژنو برگزار شد. در این کنفرانس علاوه بر شورای جهانی صلح، ۹ سازمان و مجمع جهانی و منطقه‌ای دیگر نیز شرکت داشتند که از جمله آنها، شورای جهانی کلیساهای سازمان همبستگی مردم آسیا و آفریقا، فدراسیون جهانی مجامع متحده اتحادیه حقوقدانان عرب بودند.

کنفرانس پس از بررسی آثار و عواقب جنگ ایران و عراق بیانیه ویژه‌ای را به تصویب رساند که از سوی شورای جهانی صلح در اختیار

نظا هرات در لندن:

زنده باد صلح - زنده باد آزادی - مرگ بر خمینی!

به دعوت "کمیته دفاع از حقوق دمکراتیک مردم ایران"، در روز بیستم اردیبهشت، تظاهراتی علیه رژیم جنگ و ترور خمینی و در دفاع از آزادی زندانیان سیاسی ایران، در شهر لندن برگزار گردید. از این تظاهرات دهها اتحادیه کارگری محلی و سراسری، اتحادیه‌های دانشجویی، سازمانهای صلح و نیروهای مترقی بریتانیایی و خارجی، و چندین نماینده ترقیخواه پارلمان بریتانیا پشتیبانی به عمل آوردند.

قبل از آغاز راهپیمایی "آلن سابر" ریاست افتخاری کمیته دفاع از حقوق دمکراتیک مردم ایران و رئیس سابق کنکره اتحادیه‌های کارگری بریتانیا طی یک سخنرانی بر لزوم

تشدید فعالیت جنبش کارگری و دمکراتیک بریتانیا دز محکومیت جنگ ایران و عراق و برای قطع فروش اسلحه توسط دولت تاجر به کشورهای



در این شماره

● از مبارزات کارگران کشور

در صفحه ۵

● سیاست ضد سیاست بودن

در صفحه ۸

● عشق به حقیقت

در صفحه ۹

● بازداشتگاه انصار

مظهر یاداری مبین پرستان

در صفحه آخر

نور و تاریکی بیست و دو
شعری از رضا مقصدی
در صفحه ۲

پیروز باد مبارزه خلق در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی!

رژیم بر جنایات خود و زندانیان سیاسی بر مقاومت خود می افزاید

بقیه از صفحه اول

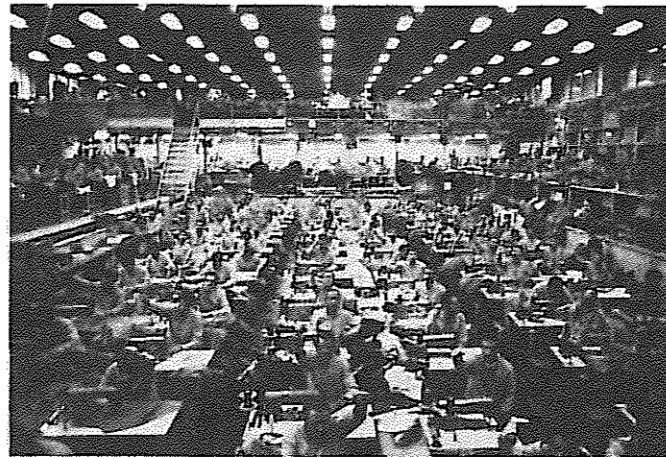
شده انفرادی منتقل کرده اند.

یکی از شکلهای اعمال فشار بر زندانیان، بیگاری کشیدن از آنان است. عکس این صحنه نشان می دهد که چگونه کارگاههای بزرگی در برخی از زندانها تاسیس کرده اند تا از زندانیان بیگاری بکشند. در اواسط اسفند ماه سال گذشته پاسداران زندان قزل حصار تهران به زندانیان بند ۲ این زندان حکم کرده اند که باید محل اقامت و استراحت پاسداران در زندان را تمیز و مرتب کنند. زندانیان از این کار سرباز می ژنند. دامنه اعتراض سرتاسر بند ۲ را فرا می گیرد. تعدادی از زندانیان از سوی جلادان مورد ضرب و شتم شدید قرار می گیرند. پس از چند روز حکم تازه ای صادر می شود؛ زندانیان باید برنج مصرفی زندان را پاک کنند. زندانیان از این کار نیز سرباز می ژنند. پاسداران تهدید می کنند که سیمیه برنج شاقطع خواهند شد و باید از این پس نان و خرما بخورید. زندانیان نان و خرما را ترجیح می دهند. آنها با خرما سفره عید می چینند و روحیه عالی خود را نشان می دهند.

همگام با افزایش مقاومت در زندانها تلاش خانواده های زندانیان سیاسی برای نجات جان فرزندان خود رشد چشمگیری یافته است. این موضوع برای حاکمیت به یک مساله جدی تبدیل شده است. در روز ۱۵ بهمن ماه سال گذشته عده ای از خانواده های زندانیان سیاسی با ۷ مینی بوس و تعداد زیادی اتوموبیل عازم شهر قم می شوند تا در تماس با منتظری اعتراض خود را نسبت به دریند بودن عزیزان خود به حاکمیت بیان دارند. آنها در قم از میان خود سه نفر نماینده را برای ملاقات با منتظری بر میگزینند. منتظری از دیدار با آنها می گریزد.

پاسداران خانه منتظری با خشونت و توهین با خانواده ها مقابله می کنند. آنان در بازگشت از مقر منتظری به سوی صحن راه پیمایی کرده و ضمن گفتگو با مردم دست به افشاکاری در مورد در خطر بودن جان فرزندان خود می ژنند. مردم قم با آنان همدلی نشان می دهند. پاسداران با سببیت تمام به مقابله با خانواده ها بر می خیزند. آنان سه زن جوان را از میان خانواده ها دستگیر کرده و با خود می برند. از سرنوشت دستگیر شدگان اطلاعی در دست نیست. در روز ۲۶ بهمن نیز خانواده ها دست به یک

حرکت اعتراضی، این بار در جلوی مجلس زدند. در همین رابطه خبر می رسد که در روز ۱۹ اردیبهشت امسال حدود ۲۰ نفر از خانواده زندانیان سیاسی بند ۲ اوین یک حرکت اعتراضی چشمگیر صورت دادند. این خانواده ها بر



درد تاریخی پیداران

از شب فاجعه می گویم
از شب تلخ زمستانی
از شب مرگ درختان پر آوازه این باغچه می گویم
سخن از دل تنگی با دل دلتنگم نیست
من برای آتائیکه نمی دانند
بها که در بهله بی دردی خود غرقند -

می گویم

تا که از خلوت تنهایی خود بر خیزند
رید اند که در مشرق چشمان درخشان درختانی
- که تو می دانی و من می دانم -
چه بهارانی خفته است
و چه بهاران درخشان می باید
خواب سنگین بهاران را تا لحظه بیداری، ویران سازد
و به بیداری هر شاخه این آبادی برگردد
درد تاریخی پیداران را.
درد تساربخی پیداران می گویم

آری

تا بدانی که گلاشتن از بیل
چه شکستن ها با خود دارد
تا ز مرداب شب فاجعه بر خیزیم
و به امواج بلندی که ز دریا های بیداری می آید -
بلشیم
و به آن سوی خطرناکی این ساحل شب برگردیم
هر چه سرخ آزادی را

رضا ملامدی - ۵۲

می شوند. پاسداران اعلام می کنند که این تصمیم را رئیس زندان گرفته است. آنان تصمیم می گیرند موضوع را بطور دسته جمعی از طریق ستاد رسیدگی به امور زندانیان در سازمان بازرسی کل کشور دنبال کنند. در این ستاد نمایندگان آنها با آخوندی به نام "انصاری" که مسئول این قسمت است ملاقات می کنند ولی از وی نیز پاسخی نمی شنوند. اعتراض خانواده ها بالا می گیرد. آنها شعار می دادند: "ملاقات، ملاقات، ملاقات" وقتی ماشین آخوند مذکور در حال خارج شدن از ساختمان مقر این ستاد بود، یکی از مادران خود راه جلوی ماشین انداخته و فریاد می زد: "آخر چقدر ما را شکنجه می دهید؟ چرا حق ملاقات با فرزندان ما از من می گیرید؟ پس مرا هم اسیر کنید تا در کنار فرزندان باشم." اجتماع مردم در گرد خانواده های معترض پاسداران را به شدت هراسان می سازد. آنها به خشونت رو می آورند تا خانواده ها را متفرق کنند.

جسارت در برخورد خانواده های زندانیان سیاسی در درجه نخست ناشی از افزایش مقاومت فردی و جمعی در زندانهاست. این روحیه به بیرون نیز دمیده می شود. درست است که رژیم در سببیت و جنایت پیشگی مرزی برای خود نمی شناسد اما این نیز واقعیتی است که رژیم در زندانها دیگر قادر به هر کاری نیست. روحیه مقاوم زندانیان، اعتراضات بیایی خانواده های زندانیان سیاسی، همدلی پر تجلی مردم با این اعتراضات، فشارهای بین المللی و بی آبرو بودن کامل رژیم بر اثر افشاکریهای وسیع در سطح جهان و عوارض این امر، همه همه باعث می شوند که جلادان رژیم خود را در شکنجه گاهها فعال مایشانند. این امر محصول مبارزه است. مبارزه ای که در عرصه های مختلف پیش رفته است و از مقاومت حماسی در زیر شکنجه گرفته تا افشاکری سازمانهای انقلابی و ملی در سطح بین المللی. رژیم بر جنایات خود می افزاید، زندانیان سیاسی مقاومت را افزون می کنند، خانواده ها و مردم همدل و همرأی با آنان اعتراضات خود را گسترش می دهند، در سطح بین المللی نیز افشاکریها در مورد وضعیت زندانیان سیاسی در ایران باید گسترده تر گردد. به این مبارزه دامن رژیم و در راه بسیج افکار بین المللی برای نجات جان زندانیان در بند رژیم خون آشام خمینی بیش از پیش بکوشیم.

نقشه جنگی نوین رژیم:

همه در جبهه

بقیه از صفحه اول

یابوه رسانی‌های میسگی در ضرورت "پیروزی اسلام بر کفر" بناگزیبر تلویحا موقعیت دشوار نظامی رژیم را در جبهه‌ها پذیرفت. او اعتراف کرد که پس از عملیات فاو تاکنون، نیروهای نظامی عراق در حال حملات مداوم و مکرری به مواضع ایران هستند. وی گفت "اینکارها تیکه عراقی‌ها در طول یک ماه و چند روز گذشته در جبهه‌ها انجام دادند." "استراتژی جدید"ی است که برای تحقق آن "همه امکانات را یکبار می‌گیرند. آنها در این مقطع خیلی چیزها را یکبار گرفتند."

سختگوی شورایی عالی دفاع تنها راه یاقیمانده برای برون رفت از این-بست را اعزام عمومی مردم به جبهه‌ها خواند "با این حساب ما وارد این مرحله جدید شدیم که بنظر رسید باید نیروهای زیادی از مردم را تجهیز کنیم." وی افزود که اقدامات عملی در این راستا شروع شده است "از ماه گذشته جذب نیروهای نظام وظیفه خود را بیش از دو برابر کردیم. بعلاوه سربازهایی که الان خدمت می‌کنند... دو ماه بر خدمتشان افزوده شود و درجبهه بمانند." از آنجا که اعزام موج جوانان به پادگانها و جبهه‌ها نتوانسته است "آن تعدادی که فرماندهان جنگ تعیین کردند" را تامین نماید، مقرر گردیده است آن کسانی که تحت عنوان بسیج و "داوطلبانه" به جبهه اعزام شدند، همچنان درجبهه نگهداشته شوند. رفسنجانی گفت "از آنها می‌خواهیم که... بیشتر بمانند." رضائی فرمانده سپاه پاسداران

این تصمیمات را صریح تر بیان داشت. وی گریز از این بست موجود را در گرو افزایش تعداد نیروهای مسلح تاحد "ده برابر" دانست و اعلام داشت بهین خاطر "در سال جاری ده برابر سال گذشته و مجموعا بیش از یک میلیون نفر نیرو به جبهه اعزام خواهد شد." رضائی گفت "تاکنون تنها از دو درصد نیروهای مردم و ۱۲ درصد امکانات اقتصادی در جنگ استفاده کرده‌ایم" اما از این پس همه امکانات و همه نیروها در خدمت جنگ خواهند بود. او گفت نه فقط صنایع کشور که حتی "هنرستانهای فنی و حرفه‌ای کشور" هم در خدمت ساخت تجهیزات جنگی قرار خواهند گرفت. وی اعلام داشت "در حال حاضر با ۵۰ کارخانه و کارگاه تراش کاری در تهران برای تولید خمپاره قرارداد بسته شده است و یا ترچه به تولید این کارخانجات که ماهیانه ۴۵۰ هزار قبضه خمپاره است... این تعداد خمپاره چندین برابر تعدادی است که بوسیله ارتش و سپاه تولید می‌شود" رضائی اشاره نکرد که علاوه بر تهران، در سطح کشور چه تعداد کارخانه به تولید تجهیزات جنگی مشغولند و برای سال جاری تا چه حد بر تعداد آنها افزوده خواهد شد. اما وضعیت عمومی را در این زمینه موسوی نخست‌وزیر با این جملات تصویر کرد که "امروز اقتصاد کشور بطور کامل در خدمت جنگ و متأثر از جنگ است"

هاشمی رفسنجانی در سخنرانی خود این امر را اینگونه بیان داشت "به مراکز دولتی و نهادهای دستور داده شده یا دستور داده خواهد شد که همه امکاناتشان را در خدمت تجهیز این

گردانهای جدید که مرحله اول کار ماست تا شهریور قرار دهند و هر امکانی را که می‌توان از کار معمولی خودش ولویات تعطیل کردن موقت کار از قبیل امکانات انسانی-مالی و تدارکاتی-ترابری و فنی-علمی و هنری و هر چه که ببرد جبهه می‌خورد در اختیار این حرکت جدید قرار بدهند"

رضائی در پایان سخنان خود با این جملات تلویحا به طرح ادغام ارتش در سپاه اعتراف کرد "در آینده نزدیک... در سطح لشکرها ارتش و سپاه قرارگاههای مشترک بوجود خواهد آمد و این لشکرها فرماندهان آن مشترک می‌باشند." سپاه شیرازی فرمانده نیروی زمینی نیز در همین روز اظهار داشت که "ارتش در حال بازسازی است" از آنجا که سرکردگان رژیم بخواهی از انزجار عمومی نسبت به ادامه جنگ و مخالفت فزاینده مردم با اعزام فرزندانشان به جبهه‌ها و تخصیص امکانات و سرمایه‌های ملی برای جنگ آگاه هستند، رفسنجانی در سخنان خود کوشید با این مخالفت مقابله کند. وی وقیحانه طرح تازه را که چیزی جز تدارک کشتار عمومی نیست. دارای خطرات و ضایعات کمتری دانست و خواستار شد که "با مردم صحبت شود که یک چنین حرکتی هم از خرج جنگ و هم از تلفات جنگ خواهد کاست و هم فرصت را از دشمن سلب می‌کند." او در عین حال با آگاهی به موقعیت دشوار جمهوری اسلامی به فرماندهان سپاه متذکر شد که "ما زمان زیادی نداریم که صبر بکنیم." معنی این تذکر رفسنجانی به فرماندهان سپاه این است که آنان باید مقاومت و مخالفت مردم با این گونه طرحهای جنایتکارانه را سرکوب کنند. زیرا زمان در تمامی جهات برزبان جمهوری اسلامی پیش می‌رود و برای رژیم در مانده خمینی هیچ راه دیگری باقی نمانده است •

بیانیه شورایی جهانی

بقیه از صفحه اول
آنها مبنی بر پایان یافتن این جنگ است.
تاکنون جنگ به کشته شدن بیش از نیم میلیون نفر، آوارگی بیش از دو میلیون نفر، تحمیل زیانهای عظیم، نابودی میلیاردها دلار اموال و خرابی چشم انداز رشد دو کشور منجر شده است. عبق و گستره زیانهای تحمیل شده به مردم غیر قابل تصور است.
بیانیه پس از بر شردن دیگر آثار و عوارض این جنگ از جمله تاثیر مغرب آن بر روی "صلح جهانی" و "مبارزات عدالت جویانه خلقهای منطقه، نظر شورای جهانی صلح و دیگر شرکت کنندگان در کنفرانس ژنو را در این مورد چنین بیان می‌کند؛
"ما اعتقاد داریم که جنگ ایران و عراق باید بی درنگ متوقف شود. ما کوشش‌های سازمان ملل متحد، جنبش غیرمتعهدها و کنفرانس اسلامی را تایید کرده و از آنها درخواست داریم به تلاش‌هایشان برای حل اختلافات از طریق مسالمت آمیز ادامه دهند.
ما اعتقاد داریم که یک راه حل عادلانه و پایدار از طریق اصل عدم مداخله در امور داخلی دیگر کشورها و بیق جهانی شناخته شده خلقها در ساکمیت بر امور خویش، استقلال و تمامیت ارضی امکان پذیر است...
ما از همه کشورهای تقاضا داریم از هر عملی که به ادامه یا تقویت جنگ خدمت کند، دوری جویند...
ما خود را متعهد می‌سازیم که مجدانه تر از این به بسیج افکار عمومی بپردازیم، اطلاعات در مورد این جنگ را در اختیار عموم قرار دهیم، ابتکارات امکان پذیری طرح نماییم، به دولت‌های سازمان ملل متحد فشار وارد نماییم، تشریک مساعی کنیم و در مجموع مبارزه برای تحقق هدف پایان جنگ را شدت بخشیم •"

تظاهرات در لندن: زنده باد صلح - زنده باد آزادی - مرگ بر خمینی!



بقیه از صفحه اول
وابستگان بیش از ۲۵ سازمانی که در این راهپیمایی شرکت ورزیده بودند، در پشتیبانی از مردم ایران پلاکاردهایی با شعارهای ضد جنگ و در همسنگی یازندگان سیاسی با خود حمل می‌کردند. و تکیه صف تظاهر کنندگان از روبروی سفارت رژیم جمهوری اسلامی در لندن گذرمی‌کرد، طنبن شعارهای پر خروش راهپیمایان اوج بی‌مانندی گرفت.
از جمله سازمان های شرکت

پیشرفت در مذاکرات دمشق و بغداد

روزنامه عربی زبان "القیس" طی مقاله ای نوشت که حافظ اسد رئیس جمهوری سوریه از جمهوری اسلامی خواسته است تا حمله به نفتکش‌ها و کشتی‌های بازرگانی را قطع کند. القیس اعلام کرد که این خواسته اسد توسط فاروق الشرع وزیر امور خارجه سوریه در مسافرت وی به تهران به مسئولین جمهوری اسلامی اطلاع داده شده است. جمهوری اسلامی از سه پایگاه، جزیره ابوموسی، رستم و حوزه نفتی ساسان برای حمله به کشتی‌های بازرگانی و نفتکش‌ها سود می‌جوید. القیس افزود که در سه ماه اخیر حداقل سه کشتی بازرگانی متعلق به عربستان سعودی توسط جمهوری اسلامی مورد حمله قرار گرفته و آسیب جدی دیده‌اند. این روزنامه افزوده است که جمهوری اسلامی با این خواسته اسد مخالفت کرده و حاضر به عقب‌نشینی در این عرصه نشده است.

از سوی دیگر رادیوی جمهوری اسلامی شنبه ۱۷ خرداد اعلام کرد که مبنای به سرپرستی به‌شارتی قائم مقام وزارت امور خارجه به سوریه اعزام شده است. به‌شارتی حامل پیامی از جانب خامنه‌ای رئیس جمهور برای شخص حافظ اسد می‌باشد. سفر به‌شارتی و هیات همراه به سوریه در شرایطی صورت می‌گیرد که جمهوری اسلامی شدت نگران تحولات اخیر منطقه و فرجام شدن زمینه ترمیم اختلافات سوریه و عراق است. خبرگزاری‌ها گزارش کرده‌اند که مذاکرات متمادی برای برنامهریزی دیدار حافظ اسد و سدام حسین تا حدود زیادی پیشرفت داشته است.

روزنامه الاتحاد چاپ ابوظبی نوشت که ملی دو هفته آینده عبدالحمید خدام و عزت ابراهیم معاونان ریاست جمهوری عراق و سوریه بزودی با یکدیگر ملاقات خواهند داشت. روزنامه کویتی السیاسه نیز ضمن درج این خبر اعلام داشت که پس از این دیدار عادی سازی روابط این دو کشور آغاز خواهد شد. بنوشته السیاسه دیدار حافظ اسد و سدام حسین بزودی در جریان کنفرانس فوق‌العاده سران عرب انجام خواهد شد.

از سوی دیگر روزنامه عربی زبان النبیان چاپ کویت اخیراً گزارش کرده است که موافقت اصولی سوریه برای از سرگیری صدور نفت عراق از طریق خط لوله‌ای که از سوریه می‌گذرد جلب شده است.

روزنامه کیهان ۱۲ خرداد که طی مقاله‌ای به بررسی تحولات اخیر در مناسبات بغداد و دمشق پرداخت. سوریه را تهدید کرد که هر گام پیشرفت در این زمینه یا "یک گام عقب رفتن (مناسبات) دمشق-تهران" همراه خواهد بود. این روزنامه "نزدیک سازی سیاسی دمشق-بغداد" و تصرف شهر عراقی فلو را مرتبط با یکدیگر دانسته و نوشت می‌خواهد "تا سوریه به موضع مخالفت یا استمرار عملیات نظامی ایران در خاک عراق کشانده شود".

اخباری از جبهه‌های جنگ

ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی اعلام کرد که روز شنبه ۱۷ خرداد ماه، نیروی هوایی جمهوری اسلامی به مواضع عراق در منطقه مهران حمله کرده‌اند. پیش از این گزارش شده بود که تبادل آتش در منطقه مهران کماکان ادامه دارد. این در حالی است که عراق اعلام کرده است که مواضع نظامی خود را در این منطقه تحکیم کرده و بر منطقه تسلط کامل دارد. چند روز پیش از این عملیات، خامنه‌ای رئیس جمهور، شهر و منطقه مهران را "کفش کهنه" ای نامید که فاقد هر گونه ارزشی است.

از سوی دیگر جمهوری اسلامی اعلام کرد که هفته گذشته مناطق مسکونی پیرانشهر و آبادان زیر حمله توپخانه‌ای عراق قرار داشته که منجر به کشته شدن ۱۱ تن از افراد غیر نظامی گردیده است. عراق نیز مدعی است که خانقین و ابوالخطیب زیر حملات خمپاره‌ای جمهوری اسلامی قرار دارد.

رفیق دوست وزیر سپاه پاسداران تهدید کرد که "آماده‌ایم که قلب بغداد را به مراتب سهمگین‌تر از دفعات قبل آماج موشک‌های دور برد خود قرار دهیم".

ارتش عراق اعلام کرد که به یک نفتکش بزرگ در سواحل شمال شرقی خلیج فارس حمله کرده است. گفته می‌شود که این نفتکش تحت اجاره جمهوری اسلامی بوده و به انتقال نفت از ترمینال نفتی خارک به سیری مورد استفاده قرار می‌گرفته است. در عین حال خبر حمله به یک کشتی باری نیز از سوی منابع کشتیرانی بین‌المللی مورد تأیید قرار گرفته است.

آموزش نظامی یک میلیون دانش‌آموز

اکرمی وزیر آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ملی یک مصاحبه مطبوعاتی با روزنامه اطلاعات مورخ ۶ خرداد ماه اعلام کرد که همه دانش‌آموزان پسر کلاس دوم راهنمایی به بالا در سال تحصیلی آینده آموزش نظامی خواهند دید. وی تعداد این دانش‌آموزان را بالغ بر یک میلیون نفر اعلام کرد. نامبرده از سوی دیگر اظهار داشت که از سوی انجمن اولیا و مربیان قیوض ۲۰۰۰ و ۵۰۰۰ ریالی تهیه شده است تا والدین دانش‌آموزان با خرید این قیوض مدارس را "همیاری" نمایند. گزارشات رسیده حاکی از آن است که خرید این قیوض علیرغم عنوان آن، اجباری است و در بسامورد شرط ثبت‌نام دانش‌آموزان می‌باشد.

"روز قدس، روز اعزام به جبهه هاست"

رادیوی جمهوری اسلامی ۹ خرداد اعلام کرد که سپاه پاسداران در بی سخنان خامنه‌ای رئیس جمهور، روز قدس را "روز اعزام به جبهه‌ها" اعلام کرده است. بر اساس اطلاعیه سپاه، کلیه نیروهای آموزش دیده باید خود را معرفی کرده تا به جبهه‌ها اعزام شوند. در این اطلاعیه تصریح شده است که نیازی به پرکردن فرم تعیین وضعیت هم نیست و همه داوطلبان می‌توانند سازماندهی شده و اعزام گردند.

اجلاس کمیته وزارتی اوپک

کمیته وزارتی اوپک که از وزرای نفت کشورهای عربستان سعودی، کویت، نیجریه، اندونزی و ونزوئلا تشکیل می‌شود، در هفته نخست خرداد ماه در طائف واقع در عربستان سعودی تشکیل جلسه داد. "فهد" در مصاحبه‌ای پایک روزنامه کویتی اظهار نظر کرد که قیمت نفت به ازای هر بشکه ۲۰ دلار تثبیت خواهد شد. در رسانه‌های جمهوری اسلامی نیز پیش‌بینی‌های مشابهی اعلام گردید. این در حالی است که قیمت نفت علیرغم افزایش نسبی دو هفته قبل، مجدداً تنزل یافته است. قیمت نفت دریای شمال در هفته گذشته به ۱۲/۶۵ دلار به ازای هر بشکه سقوط کرد. کاهش قیمت نفت دریای شمال تا این حد، باعث کاهش بیشتر قیمت نفت اوپک خواهد گردید. از سوی دیگر با نزدیکی فصل تابستان از تقاضای جهانی نفت کاسته شد. تاکنون تنها کشور ژاپن ۲۰ درصد از واردات نفتی خود کاسته است.

مدیر کل خزانه داری فرانسه در تهران

هفته گذشته رادیوی دولتی جمهوری اسلامی اعلام کرد که مدیر کل خزانه داری فرانسه در اس هیاتی سیاسی-اقتصادی وارد تهران شده است. این هیات از طرف مدیر کل امور اقتصادی وزارت خارجه جمهوری اسلامی مورد استقبال قرار گرفته است. به گزارش رسانه‌های فرانسوی این هیات پیرامون "شرایط بازپرداخت وام یک میلیارد دلاری" با مقامات جمهوری اسلامی مذاکره می‌کند.

ریال همچنان سقوط می‌کند

بنابه گزارش روزنامه اطلاعات مورخ ۶ خرداد ماه، ارزش ریال در برابر انواع ارز و مسکوک طلا باز هم کاهش یافت. ارقام ذیل که از روزنامه اطلاعات همان روز کلیشه شده است، بهای انواع ارز

اطلاعات ۶ خرداد ماه ۱۳۶۵

* هر دلار آمریکا ۸۰۰ ریال، هر مارک آلمان ۳۴۵ ریال، هر پوند انگلیس ۱۱۵۰ ریال، هر ریال سعودی ۲۱۰ ریال، هر لیره سوریه ۶۰ ریال و هر ده هزار لیر ترکیه ۱۰۵۰۰ ریال در بازار، معامله شد.

را در بازار آزاد نشان می‌دهد. بر اساس همین گزارش، یدنیال سقوط ارزش ریال بهای هر سه طلا (آزادی) در بازار تهران معادل ۴۹۹۰۰ ریال اعلام شده است که افزایشی معادل ۱۷۵۰ ریال در طول یک هفته را نشان می‌دهد.

از مبارزات کارگران کشور

دخانیات با اطلاع از این امر بشت دست به اعتراض زدند. در مقابل با اعتراض کارگران، پاسداران مستقر در کارخانه وارد عمل شده و دوتن از کارگران مبارز را به جرم همبستگی با کارگران سانحه دیده دستگیر کردند. این اقدام برخشم کارگران افزوده و آنان دست به اعتصاب زدند. در برابر این اعتصاب، مسئولین مجبور به تسلیم شدند. دستگیر شدگان آزاد و قول رسیدگی به وضعیت کارگر مصدوم داده شد. در همین کارخانه اعتراض کارگران به پدی غذا باعث بروز کشاکش هائی میان آنان و افراد بسیج گردید.

* دردی ماه کارگران اداره برق اراک دست از کار کشیده و اعلام اعتصاب نمودند. اعتصاب به خاطر افزایش دستمزد و انجام لایحه پندی مشاغل صورت گرفت. به دستور مدیر عامل برق اراک عده ای اعتصاب شکن را به جای کارگران اعتصابی به کار گماشتند.

* در آذرماه کارگران شرکت ساختمانی مهستان برای دریافت حقوق عقب افتاده خویش دست از کار کشیدند و در محل دفتر مدیر شرکت اجتماع کردند. مدیر عامل برای متفرق ساختن کارگران از ژاندارمری کمک خواست و به دنبال آن عده زیادی ژاندارم کارگران را در محاصره گرفتند. با وجود این کارگران حاضر به ترک محل نشدند. ژاندارمها تمامی کارگران را دستگیر و به پاسگاه ژاندارمری منتقل ساختند. این عمل نیز نتوانست کارگران را از پیگیری در جهت کسب مطالبات برحق خویش بازدارد. از این رو مدیر عامل مجبور گردید تمامی حقوق معوقه کارگران را پرداخت نماید.

پرداخت کامل حقوق دی ماه کارگران سرباز زد و تنها مبالغی به عنوان علی الحساب به آنان پرداخت کرد. این اقدام اعتراض جمعی کارگران را در پی داشت و بدنبال آن مدیریت مجبور به پرداخت حقوق کامل کارگران گردید.

* در بهمن ماه اخراج یکی از کارگران کارخانه ایران یاسا با واکنش اعتراضی دیگر کارگران روبرو گردید. به خاطر شدت اعتراض کارگران مدیریت مجبور به لغو حکم اخراج شد.

* جندی پیش زنان کارگر کارخانه چینی ارکید در قزوین پس از مدتی طولانی مبارزه توانستند بر مقاومت مسئولین فائق آمده و نماینده خود را برگزینند.

* در کارخانه ساخت لوازم خانگی در قزوین مبارزه زنان کارگر در جهت دریافت حق لباس به پیروزی انجامید. مدیریت مجبور شد بپذیرد که در ۶ ماه ۱۱۰۰ ریال بابت تهیه لباس کار به کارگران زن پرداخت کند.

* در بهمن ماه در کارخانه دخانیات دست یکی از کارگران زیر ریل رفته و قلع گردید. مدیریت این کارخانه دولتی نه فقط هیچ کمکی برای مداوی وی به عمل نیاورد. بلکه از دادن حقوق و مزایای ایام محالجه این کارگر نیز سرباز زد. دیگر کارگران

* کارگران پست چهارصد کیلوواتی برق شیراز در ۲۰ بهمن ماه به منظور کسب خواسته های رفاهی دست به اعتصاب زدند. این اعتصاب تا دستیابی کارگران به خواسته هایشان ادامه یافت.

* ۶۰ کارگر شرکت سیکلوم در روز ۸ بهمن ماه جهت کسب حقوق معوقه خویش دست به اعتصاب زدند. شرکت سیکلوم که یک شرکت ایالتی است، کار احداث نیروگاه برق دستگرد اصفهان را بر عهده دارد. اعتصاب هشتم بهمن ماه کارگران این پروژه به پیروزی انجامید و آنان در ۱۲ بهمن همه حقوق معوقه را دریافت کردند.

* در روز ۱۵ دی ماه کارگران شرکت تکنیکار اصفهان بیکار دیگر دست به اعتصاب زدند. مدیریت این شرکت که وابسته به ذوب آهن است، از پرداخت عیدی سال گذشته کارگران سرباز می زدند. کارگران پس از دو روز اعتصاب و به دنبال قبول مساعد مسئولین به کار بازگشتند.

* در روز ۵ اسفند کارگران کارخانه سیمان تهران در اعتراض به کاهش مبلغ سود ویژه دست به اعتصاب زدند. این اعتصاب در همین روز با پیروزی کارگران پایان یافت.

* در اصفهان کارگران کارخانه بافناز برای دریافت حق بهره وری دست به اعتصاب زدند. این اعتصاب که از ۱۱ دی ماه آغاز گردید تا سیزدهم همین ماه ادامه یافت و در این روز با پیروزی کارگران خاتمه یافت.

* کارگران شرکت راه سازی ایران باند در ایوانکی گرمسار پس از سه روز اعتصاب موفق شدند کارفرما را به پرداخت تمامی دستمزدهای معوقه و پرداخت عیدی وادار کنند. کارفرمای این شرکت ۵ ماه پی در پی حقوق کارگران را پرداخت نکرده بود.

* کارگران شرکت ماهان (در ایوانکی) برای گرفتن دستمزدهای عقب افتاده دست به اعتصاب زدند. تمامی سید کارگر این شرکت در اعتصاب شرکت داشتند. کارگران پس از دو روز اعتصاب توانستند حقوق دو ماه را دریافت نمایند. مبارزه کارگران جهت گرفتن حقوق دو ماه دیگر که پرداخت نشده هم چنان ادامه دارد.

* در بهمن ماه در کارخانه ایرانیت، کارگران در اعتراض به نحوه اجرای طرح طبقه بندی مشاغل دست به اعتراض شدیدی زدند که به بروز درگیریهایی انجامید. مدیریت این کارخانه می کوشید طبقه بندی مشاغل را بگونه ای انجام دهد که بخشی از حقوق کارگران حذف شود.

* در کارخانه چیت تهران مدیریت از



۷۰ سال دارد. از کودکی رنج کشیده است. در این کارگاه، در این کارخانه و در آن کارخانه. ظاهرا دیگر می بایست باز نشسته باشد. ظاهرا می بایست به خاطر درد کمروپا، دردی که استعمار شدن بر تن و جان او نشانه است، در بستر افتاده باشد. ولی باز باید جان بکند. این یار در یک کارگاه پرت در حاشیه تهران. روزانه ۱۲ ساعت کار می کند. کارش پتک کوبیدن بر آهن فراضه است. با چندرغاز مژدی که می گیرد، نمی تواند شکم خانواده را پر کند. کرایه خانه و پول دوا و درمان هم که جای خود را دارد. این گونه است زندگی پردرد و رنج کارگران و زحمتکشان میهن ما (عکس از خبر نثار ام، "اکثریت" در تهران)

تابنده باد مشعل رزم فدائیان!

گوشه‌هایی از فعالیتهای تبلیغی فدائیان خلق در داخل کشور

مشتاق گل از سرزنش خارتترسد
چو باری رخ بارز اغیار نترسد
عبار دلوار که کله شرک سرخوبش
از خنجر خوشبیز و سرد ارتترسد

عمادالدین نسیمی

* در گزارش یک واحد از فدائیان خلق آمده است:
"طبق رهنمودهای تبلیغی و دستورالعمل‌های تشکیلاتی سازمان، تبلیغات ۱۹ بهمن با تدارک قبلی صورت گرفت و اوراق تبلیغی مدتی قبل از آن در اختیار رفقا قرار داده شد. علی‌رغم کنترل شدید شهرمیچ گونه مساله امنیتی برای رفقا پیش نیامد. در یک مورد، بعد از عمل پخش کمیته‌چی‌ها چند جوان را که در محدوده پخش بودند دستگیر کردند. در یک مورد دیگر هم بعد از عمل پخش در جلوی یک پاساژ شلوغ به گشت زنی پرداختند. در ایام مزبور کمیته‌چی‌ها جلوی درب‌ریخی از کارخانه‌ها و مدارس کشیک می‌دادند.

به مناسبت گرامی داشت ۱۹ بهمن کار تبلیغی به اشکال زیر انجام یافت، تهیه و پخش تراکت فراخوان سازمان (که در دورنگ چاپ شد. گل و امضاء سازمان یا رنگ قرمز و متن تراکت مشکی) با تیراژ ۲۰۰۰ نسخه، پانزده فراخوان در یک صفحه کامل به صورت دورنگ و با حروف درشت در ۱۶۰۰ نسخه تهیه کارت پستال رنگی همراه با شعار مرگ بر خمینی جنگ افروز- زنده باد صلح حدود ۱۵۰۰ عدد که با پست ارسال شد... کار تبلیغی به مناسبت ۱۹ بهمن اثرات مفیدی در قرار است؛

فردی به هنگام عبور از کوچه، اعلامیه فراخوان سازمان را دید و با شوق زیاد به یکی از همراهان خود گفت برویم خانه آن را بخوانیم. در همین حین دو نفر عابر نیز دو اعلامیه با خود برداشته و می‌بردند. در یکی از کارخانه‌ها کارگری از اینکه اعلامیه سازمان پخش شده بسیار خوشحال می‌شود و به همکار خود می‌گوید: "عجب شهادتی دارند، کار مشکلی است، اگر حکومت به آن‌ها دست پیدا کند آن‌ها را اعدام می‌کند"

* یک واحد در گزارش خود در مورد تبلیغات مربوط به ۱۹ بهمن سالروز بنیانگذاری سازمان از جمله نوشته است:
"مجموع اوراق پخش شده ۲۰۰۰ برگ بود که از این تعداد ۴۰۰ برگ



از سوی گروهی از فدائیان خلق در تهران کارت زیر بمناسبت سال نو منتشر و توزیع گشت.

کارگران و زحمتکشان
در سال نو متحد نسیم
و برای پایان دادن به
جنگ علیه ارتجاع حاکم
مبارزه کنیم

سراداران سازمان
فدائیان خلق ایران
(اکثريت)

کارگاه‌های تولیدی صورت گرفت.
آمار زیر مربوط به فعالیت مادر این زمینه است:
۱۶۰۰ تراکت و ۲۸۰۰ اعلامیه اول ماه مه، ۲۵۰ عدد برچسب، ۲۰۰ عدد شعارنویسی کوچک، ۱۰ عدد شعار نویسی بزرگ ۱۱۰۰ عدد پست‌نامه و همچنین ۱۶۰ عدد کارت پست شده است. شیوه‌های کار عبارت بود از پخش خانه به خانه و تک تک و پخش بسته‌های پنج الی پانزده تایی در اتوبوس، صف‌ها، خیابان‌های شلوغ، مسیر حرکت کارگران، پست کردن به کارگاه‌ها و خانه‌های کارگران و زحمتکشان و... تراکت‌ها و اعلامیه‌ها در مناطق زیر پخش گردیدند: خیابان سیه غربی، انتهای آریانا، سی متری چی، خیابان قزوین، خیابان مخصوص، بین فلج و مقدم، میدان فلاح، توانیر، خیابان ابوسعید، شهرک شهزاد، چهارراه فرح آباد، خیابان مختاری، دروازه غار، اطراف خیابان خیام، مولوی، بازار، خاوران، میدان کلانتری، آهنگ، کمال و جودی، شکوفه، انتهای نیرد، تاکسیرانی، میدان پروچردی، سه راه باقرآباد، خیابان بیمه در جاده کرج، شهرک اکباتان، دانشگاه صنعتی تهران، الزهراء، علامه طباطبایی و... پخش گسترده تراکت‌های اول ماه مه در اتاپک و خیابان‌های اطراف مسئولین بسیج این محله را شدیداً عصبانی کرد به طوری که به اعضای بسیج تاکید کردند که شب‌ها حتماً به گشت زنی در محله بپردازند...

"در یک مورد به یک کارگاه مکانیکی واقع در جاده ساوه پنج تراکت به ۵ نفر از کارگران می‌رسد. کارگرها در اتوبوسی برای دوستانشان از تعبیرگاه دیگری موضوع را تعریف کردند که آن‌ها هم می‌گویند برای ما هم پست شده است، مثل اینکه در هر محل آدم‌هایی دارند که کارگرها را می‌شناسند و گرنه آدرس مارا در جاده ساوه از کجا آورده‌اند."

* در یک گزارش از شهر کرد آمده است:
"تعداد ۲۰۰ نسخه از اعلامیه مربوط به عقوبت‌اللعل و همچنین تعداد ۴۰۰ نسخه اعلامیه در مورد رفیق رضی در سطح شهر پخش شد." در گزارش دیگری از همین شهر می‌خوانیم:
"پخش اعلامیه سازمان جوانان در دو دبیرستان خدمات و استکی ویکی از مدارس روستایی و توزیع ۱۰۰ نسخه پیک فدایی در سطح شهر انعکاس وسیعی داشت در مقابل بعضی مدارس و در باجه‌های تلفن شعارنویسی صورت گرفت."

دست نخورده باقی ماند. علاوه بر آن حدود ۸۰۰ تراکت از ۱۵ فراخوان و شعار ضد جنگ پخش گردید."
* در یک گزارش آمده است:
"دهم اردیبهشت ماه در شانزه لیزه تهران پخش وسیع تراکت‌های سازمان به مناسبت روز جهانی کارگر صورت گرفت. بعد از پخش، منطقه توسط سپاه محاصره شد. تمام سعی آن‌ها این بود که تراکت‌ها به دست مردم نیفتد..."

* یک گروه از جوانان قهرمان فدایی در تهران حاصل تلاش‌های تبلیغی خود به مناسبت اول ماه مه را چنین گزارش کرده است:
"با توجه به اهمیت روز جهانی کارگر از مدت‌ها قبل مقدمات این کار فراهم شد. تاکید و برنامه‌ریزی روی مناطق کارگری و زحمتکش نشین و

آن نصب شد. بسیاری از اوراق نصب شده تا چند روز بر جای خود ماندند محل نصب ایستگاه‌های سرویس کارگران و محل‌های تجمع آنان بود"

* یک گروه از فدائیان خلق در تهران فعالیت‌های تبلیغی مربوط به ۱۹ و ۲۲ بهمن را این گونه گزارش کرده است:
"فعالیت تبلیغی مادر این دوره از نظر شکل به طور عمده روی شعارنویسی و کار نصب، متمرکز شده بود که حاصل کار عبارت بود از ۲۲۰۰ مورد شعار در کیوسک‌ها، اتوبوس‌ها و مکان‌های عمومی، در خیابان‌ها و محله‌های یافت آباد، نیروی هوایی دامپزشکی، بزرگمهر، کیوان، انقلاب، ۱۷ شهریور، کریخانه، نظام آباد، حافظ، ملاصدرا و مصدق. شعار به مناسبت پانزدهمین سالگرد سازمان در یکی از بیمارستان‌ها تا یک هفته

* اعلامیه زیر توسط واحدی از سازمان فدائیان خلق (اکثریت) در تهران در تاریخ ۲۰ فروردین ماه انتشار یافت و وسیعاً توزیع شد.

جنگ عامل فلاکت میهن و زمینه ساز تجاوزات آمریکادار منطقه است علیه جنگ برای صلح بپاخیزیم!

مردم زحمتکش ایران!
رژیم جنگ طلب خمینی، در شرایطی که نتوانسته از عملیات جنگی اخیرش، به نتایج مورد نظر دست یابد، بار دیگر و این بار چون آمیزتر از همیشه به تدارک جنگ پرداخته است.
به دنبال فتوای جهاد از سوی خمینی خورشید رژیم می‌کوشد تا به ضرب شانتاژ و فریب افکار عمومی و با زور و ارباب بی سابقه، بیشترین نیرو را بسیج کند تا در این مسابقه جنون و جنایت بیشتر از همیشه خون بریزد...
مردم قهرمان ایران!
علیه جنگ اعتراض کنید! اعتصاب کنید! تظاهرات کنید! در مقابل تدارکات جنگی جدید خمینی مقاومت کنید! از اعزام فرزندان و عزیزان خود به جبهه‌ها جلوگیری کنید! با شعار "مرگ بر خمینی جنگ افروزنده باد صلح" طنین شعار "مرگ بر آمریکا" را راساً سازید.

* از سوی گروهی از زنان هوادار سازمان به مناسبت ۸ مارس، روز جهانی زن اعلامیه‌ای انتشار یافت که بخشهایی از آن به قرار زیر است:

زنان میهن پرست و آزادیخواه ایران!

نزدیک به یک قرن است که به پیشنهاد کلارا زتکین زن انقلابی و نامدار آلمان، میلیونها زن و مرد آزاده و آزادیخواه جهان، ۸ مارس (۱۷ اسفند) را که یاد آور شهادت و قهرمانی زنان کارگری است که با شعار "مزد مساوی برای کار مساوی" به خیابانها ریختند و لرزه بر اندام انحصارات امپریالیستی افکندند، به نام روز جهانی زن جشن می‌گیرند.
اما رژیم‌های مرتجع و ضد مردمی که از آگاهی و همبستگی زنان وحشت دارند تلاش کرده و می‌کنند که این روز را از زنان کشور خود مخفی نگاهدارند. بدین منظور به انواع حيله‌ها و تیرنگ‌ها متوسل شده و عوامفریبانه چهره منفور خود را می‌پوشانند. متأسفانه زنان میهن‌بلاکشیده ما نیز همواره به دلیل وجود رژیمهای مرتجع از شرکت گسترده در این جشن جهانی محروم بوده‌اند.

زنان مبارز و آزادیخواه!

تلاشهای فوق ارتجاعی رژیم برای لگدمال کردن شخصیت و تمام حقوق اساسی و مسلم زنان پایان ناپذیر است. کامیابی ما زنان در تحقق اصل "زن عضو برابر حقوق جامعه و خانواده" در گرو اتحاد و همبستگی ماست. باید در هر کجا که هستیم برای کسب حقوق مسلم خود تلاش کنیم. ما از همه شما زنان و مردان میهن پرست و آزادیخواه دعوت می‌کنیم که،
با برگزاری جشن در محل کار و زندگی خود و ترتیب مهمانیهای خانوادگی، در گرامیداشت روز جهانی زن شرکت جوئید. با اهدای گل و هدایای در خور مقام مادران، خواهران، همسران، دختران، آموزگاران، همکاران، اقوام و آشنایان احترام و سیاس خود را نسبت به مقام والای زن ابراز نمائید.

نگذارید که فرزندانتان را به جبهه‌های بی بازگشت بفرستند. حتی یک ریال هم به جبهه‌ها کمک نکنید. از سربازان، سپاهیان و ارتشیان فراری پشتیبانی کنید. از خانواده‌های زندانیان سیاسی حمایت کنید. در انجمن اولیا و مربیان شرکت جوئید و امکانات علمی، ورزشی و هنری برای فرزندان خود طلب نمائید. با شرکت در تعاونیهای محل کار و زندگی خود، این مراکز را به محلهایی برای شکل و تجمع تبدیل کنید. دختران جوان و دیپلمه را تشویق نمائید تا با کمک دیگر دختران محصلی که بزودی بلیه بیکاری گریبان آنان را نیز خواهد گرفت ارتباط برقرار کنند و با مراجعه دسته جمعی به ارگانهای مربوطه جهت ادامه تحصیل و راه‌یابی به دانشگاه و تأمین کار برای دختران جوان رژیم را تحت فشار قرار دهند. به زنان بیسواد محل کار و زندگی خود خواندن و نوشتن بیاموزید و آنان را به آموختن سواد ترغیب و تشویق کنید.

علیه جنگ، برای صلح، بپاخیزید!

کارگران و زحمتکشان ایران!

سران خاش جمهوری اسلامی صدها هزار نفر را در جنگ کثیف به کشتن داده، صدها شهر و روستا را به آتش کشیده و کشور را ویران می‌کنند، سران رژیم جنون جنگ دارند، همه چیز را در خدمت جنگ در آورده‌اند، دشمن صلح‌اند.

در هر کجا که هستید، علیه جنگ اعتراض کنید، علیه جمع آوری کمک و اعزام نیرو به جبهه اعتراض کنید، علیه جنگ اعتصاب کنید، برای صلح تظاهرات کنید، ماشین جنگی رژیم را فلج سازید!

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

* در مورد مسائل دهقانی اعلامیه زیر در منطقه اراک منتشر شد و در روستاهای این منطقه و منجمله بطور همزمان در روستاهای رنیه، حک بالا، حک پایین، تحت محل، فر، حصار، رباط و سرسختی توزیع گردید.

رژیم دشمن دهقانان است

نگذارید زمین را از شما بگیرند!

رژیم خاش جمهوری اسلامی هر روز با تصویب قوانین ارتجاعی، ضد مردمی علیه کارگران، دهقانان و زحمتکشان میهنان، هر چه بیشتر سربردگی خود را به کلان سرمایه داران و بزرگان مالکان به اثبات می‌رساند. رژیم ولایت فقیه با کمک مالکان فراری و خانهای رانده شده تلاش می‌کند هر آنچه را که در سفره تهی روستاییان وجود دارد به جیب کشاد بزرگ مالکان سرازیر کند. اخیراً با اعلام این مطلب که زمین‌های روستاییان سریند، کز از ثنات و... وقفی می‌باشد تمامی سندهای روستائیان باطل اعلام شده و طبق حکم خمینی از این پس روستائیان موظفند سالانه مال الاجاره (بهره مالکانه) زمین‌هایی را که از مالکان غاصب طی دهها سال قبل از حاکمیت ولایت فقیه بدست آورده‌اند، به روحانیون مرتجع حاکم بپردازند.

بر کسی پوشیده نیست که روحانیون حاکم از درآمد موفوفات پول هنگفتی به جیب کشاد خود سرازیر می‌کنند. آنها با سوء استفاده از اعتقادات مذهبی مردم به نام شرع و "حلال و حرام" هستی روستائیان را غارت می‌کنند.
دهقانان آگاه و انقلابی!

این رژیم طرفدار فئودال و سرمایه دار است. رژیم خمینی با سیاستهای ارتجاعی و ضد مردمی و جنگ افروزانه خود میلیونها دهقان را خانه خراب و آواره شهرها کرده است.

با اتحاد خود با این تهاجم بی شرمانه رژیم ولایت فقیه مقابله کنید!
مال الاجاره (بهره مالکانه) را بپردازند!
از طریق انتخاب نماینده صالح، آگاه و مطمئن با روستاهای مجاور خود تماس بگیرید و با اجتماع در روستاهای مرکزی، این عمل رژیم را محکوم کنید!

فریب افراد وابسته به جاسوسان و جیره خواران رژیم را نخورید و آنها را طرد و مغزوی نمائید!

به جبهه‌ها کمک نکنید، نگذارید فرزندانتان را به جبهه بفرستید!
سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) نماینده واقعی کارگران، دهقانان و زحمتکشان است
زنده باد صلح، مرگ بر خمینی جنگ افروز!

برای این که واقعتی را تغییر دهیم باید نخست آن را به عنوان یک امر واقع بپذیریم. چنین هست که هست، اما نباید چنین باشد، نباید چنین بماند. این که چنین نماند و این که چنان شود، تابع اراده فرد نیست. فرد یا افراد برای تغییر واقعیت باید خود به واقعیت بدل شوند، ضرورت عینی تحول واقعیت را بشناسد و اراده را، که مقوله ایست متعلق به حوزه آزادی، وارد حوزه ضرورت سازند و به جنبه دگرگون ساز واقعیت پیوند دهند. نقد دگرگون ساز واقعیت چنین مکانیسمی دارد. هر چه جز این دو حالت دارد، در یک حالت تسلیم است که بی آمدن آن فاجعه پذیرفتن است. بلا تغییر انگاشتن است، سرخورده گشتن است، به درپوزگی رفتن است و نهایتاً ضمیمه جنبه وایسرای واقعیت شدن است.

بودن که مساله ای نیست

پذیرفتن!

فاجعه این است.

حالت دیگر پشت کردن به واقعیت است، خود را بیرون آن و فراتر از آن پنداشتن و در عمل به دلیل دور گشتن از جنبه متحول واقعیت فرورتربودن از آن است. این حالت گریختن از واقعیت است، ریشخند غیرمسئولانه به آن است با این داعیه که من فراترم، برترم و از پلشتی و زشتی های آن مبرايم. این حالت ره به اتزوا می برد، به انفعال منجر می شود و در ادامه خود به حالت اول تحول می یابد. ریشخند کردن کار ساده ای است. فقط کافی است فرد مقداری غیر مسئول باشد. زیر همه چیز زدن، به همه چیز روترش کردن و به همه چیز خندیدن، شجاعت ویژه ای نمی خواهد. اتفاقاً چنین ویژه ای می طلبد. اما واقعیت این است که فرد در این حالت عامل نیست، معمول است، فاعل نیست، منفعل است.

این خصلت غیرمسئولانه، این خصلت انفعالی، پدیده ای خطرناک در جنبش ما در خارج از کشور (و نه فقط در خارج از کشور) است. ما از واقعیتی که سخن گفتیم غرضمان واقعیت همین جنبشی است که در پیش رویمان جریان دارد. حیرانی و گیج سری و توقف نسبی همواره چنین محصولاتی به بار می آورد، پاره های و عناصری از هر دو سوکنده می شوند و سرگشته این سو و آن سو به حرکت در می آیند. ظاهر آنه اینند و نه آن. ظاهر آنه دلیل همان حیرانی و سرگشتگی در مقطعی تحریک ویژه ای دارند، همه درگیری کشاکشها ایستاده اند اما من بیرون از کشاکشها به پرواز درآمده ام! پیش تر از همه و فراتر از همه! این پاره ها و عناصر به دنبال کسب هویت مستقل برمی آیند. چون واقعیت بهر حال عمیقاً سیاسی است و آنها می خواهند فراتر از واقعیت و در برابر آن باشند، ضد سیاسی می شوند، زیرا ضد تمامی کسانی می شوند که در سیاست هستند. اما آنها خود چه بخواهند و چه نخواهند جزئی از همین واقعیت و محصول آنند. آنها هم سیاسی هستند. اما سیاست آنها ضد سیاست بودن است. ضد سیاست بودن هم نوعی از سیاست است.

بپایان ما برای پرداختن به این پدیده نمایشنامه ای است با عنوان "نوروز پیروز است" که به مناسبت آغاز سال نو در پاریس به اجرا درآمده است. این نمایشنامه را از آثرو بپایان قراردادیم که در آن سیاست "ضد سیاست بودن" تجلی بارزی دارد. نمایشنامه را محسن یلفانی نوشته و ناصر رحمانی ژنرال کارگردانی کرده است. نمایشنامه با

لرح ضدیت حکومت اسلامی با آداب و سنن ملی آغاز می شود. مردم قصد دارند مراسم چهارشنبه سوری را برگزار کنند ولی با مخالفت مسئول کمیته محل مواجه می شوند. در این میان دو کاراکتر سمبلیک عمونوروز و حاجی فیروز وارد صحنه می شوند. کار به تعزیر این دو نفر از سوی یاسدانان می رسد. در صحنه دوم نمایشنامه عمونوروز و حاجی فیروز را می بینیم که به صف مهاجرین و پناهندگان سیاسی پیوسته و با هزار زحمت خود را به پاریس رسانده اند. آنها بر این گمانند که با گریز از زیر سایه حکومت چهل و خرافه اکنون می توانند آزادانه مراسم ملی را به اجرا

سیاست

ضد سیاست بودن

در آورند. اما در پاریس با واقعیتی به نام تشمت و تفرقه در میان نیروهای سیاسی اپوزیسیون و حرفه ها و سیاستها و سلیقه های مختلف آنان مواجه می شوند. سه تابلو نیروهای سیاسی مختلف را به تصویر در می آورد. عمونوروز و حاجی فیروز در زیر هیچ یک از این سه تابلو مدینه فاضله خود را نمی یابند، آن سه را یکی پس از دیگری ترک و طرد می کنند و تنها می مانند. پایان پرده دوم نمایش نیز جز شکست و درماندگی چیزی نیست. سرخورده و خسته می گریزند و می روند. "مستقل" می شوند. بعد از ماجراهایی آنها را می بینیم که درمانده و لهیده در گوشه یک ایستگاه مترو در پاریس همدیگر را پیدا می کنند. در دل عمونوروز هنوز بارقه امید خاموش شده است. او حاجی فیروز را که اکنون به ولگردی افتاده است تشویق می کند که همچنان پیام رسان شادی و نوروز باشد. در پایان نمایشنامه هر دوسرد خوان می شوند و به همراهی دیگران سرود "پیروزی ملت" را سر می دهند، معلوم نیست که چرا و چگونه؟ کدام جنبه واقعیتی که نمایشنامه نویس تصویر کرده است، پیروزی آفرین است؟

نقطه شروع این نمایشنامه واقعیت جنبش پراکنده ماست که در برابر یک رژیم ضد بشری ایستاده است. وقتی دو کاراکتر اصلی نمایشنامه در برابر گروههای سیاسی قرار داده می شوند، نمایشنامه نویس و کارگردان به نقد چند پارچگی می نشینند، بی آنکه بتوانند راهی بسوی اعماق بکشایند، خسته و تنگ حوصله خط و مرزهایی را می پذیرند و می نمایانند که در سطح ترسیم شده است. کدام مرز واقعی است و تا اعماق امتداد دارد و کدام تصنعی؟ نویسنده خسته را

با پاسخ این پرسش ها کاری نیست. زیرا او پاسخی کلی را که به کار چندانی نیاز نباشد، آماده کرده است. آخر این کار آسان تر است. و هنرمود این نمایشنامه در مواجهه با چند پارچگی، تشمت و وند انتم کاری موجود در این جنبش چیست؟. ول کنیم و برویم؟ مستقل باشیم؟ دلمان را به مفهوم انترناسی "ملت" خوش کنیم و این شعار کلی که "ملت پیروز است"؟ آخر چگونه با سیاست زدگی، با سیاست گریزی و سیاست

ضد سیاست بودن می توان به پیروزی رسید؟ این واقعیتی است که پوسته جنبش ما انبان تضادها و تفرقه هاست. در صورت حفظ چنین واقعیتی شعر و شعار و سرود و رویا هم "پیروزی ملت" را باعث نخواهد شد. حال چه کنیم؟ همه را به ریشخند بگیریم؟ به همه تشر بزنیم؟ جنبش را تحقیر کنیم؟ به پنهان میرا شدن از آلودگی ها منزه طلبانه از همه چیز فاصله بگیریم؟ خشمکین از تفرقه، افتراق تازه ای را می بریزیم؟

در این که جنبش باید نقد شود، شکی نیست. اما در این که جنبش باید نقد شود، شکی نیست. اما پاسخی آن همه کلی و در عین حال آن همه مخشوش که نقادی نیست. برای پیدا کردن راه برون رفت از تفرقه ها، تشمت ها و وند انتم کاری های موجود، باید مجدانه به نقد واقعیت جنبش پرداخت. هنرمندان نیز در این زمینه می توانند نقش عظیمی ایفا کنند. این جنبش نباید این گونه باقی بماند. برای پایان دادن به گروه گرایی ها، برای پایان دادن به شقه شقه شدن "ملت"، برای طرد خودپسندی ها تفرقه جویی ها و دیکتاتورمشی ها که زیر پوشش اختلافات واهی و با واقعی ایدئولوژیک و سیاسی پنهان شده اند، باید عمیقاً به انتقاد از جنبش و پاره های مختلف آن پرداخت. اما از کجا باید شروع کرد؟ از تحقیر آن؟ هیچ کس حق تحقیر این جنبش را ندارد. این جنبش، خیل عظیمی از فدائیان و جانپازان را در بر می گیرد. این جنبش خطا کرده است اما از حرکت باز نایستاده است و نمی ایستد، سر بر دیوار کوبیده است اما بر پای دیوار چمباتمه زده است، اگر قرار است "ملت پیروز شود" از طریق ارتقا همین جنبش است. در اینجا نمی توان و نباید گفت "عالمی دیگر بپایند ساخت و از نو آدمی". نمی توان همه چیز را از ابتدا شروع کرد. این گرایش شاید سالم ترین شکل پدیده سیاست ستیزی امروزی باشد. اما شروع کردن از نو با این اراده که خطاها را به دیگران و می نهم و خود قاتل و پاک و پاکیزه به تولد دیگری می اندیشم، حاصلی جز تشدید تفرقه ها نخواهد داشت. جنبش را نمی توان تنها با خطاهای آن - هر چند که بزرگ باشد - تصویر کرد. در این جنبش هزاران نکته مثبت وجود دارد که می توان با اتکا بر آنها آینده را تسخیر کرد. خوب و بد این جنبش همه از ماست. در واقعیت پاره های این جنبش را رشته های بسیاری به هم پیوند داده است. ما سرنوشت مشترکی داریم. اندیشه تافته جدا بافته بودن، غیر علمی است.

خجلی از دیوارها تصنعی بر پا گشته اند. بایبشبرد شجاعانه و مسئولانه مباحثات سیاسی و ایدئولوژیک، دیوارهای تصنعی ویران و مرزهای واقعی ترسیم می شود. بدینگونه جنبش شاداب می شود و به پیش می رود. خط و مرزهای تصنعی، لجاجت های بی معنی، خوشحال شدن از شکستها و خطاهای یکدیگر، تفرقه آفرینی و آشوب طلبی، خودخواهی و دیکتاتور منشی، نیروها را به هز می برد. باید به همه این انحرافات پایان داد. این یک نیاز عینی معنی بریک منطلق عینی است. صرفاً یک توصیه اخلاقی و رویای خیر اندیشانه نیست. یک ضرب المثل برزیلی می گوید، وقتی تنهاییک نفر به یک آرمان بیندیشد این یک رویاست، وقتی سه نفر بدان بیندیشند بازم یک رویاست. اما آن هنگام که صد ها هزاران نفر بدان اندیشیدند، این دیگر یک رویان نیست. یک واقعیت است. آری اندیشه اتحاد، اندیشه پایان دادن به خطاها و انحرافات به یک واقعیت، به یک نیروی واقعی تبدیل شده است. باید به این نیرو تکیه کرد و

عشق به حقیقت

از یوگنی یوتوشنکو

در اتحاد شوروی، کمونیست‌ها همه مردم این کشور، اجرای مصوبات کنگره ۲۷ را با همان فاطیعتی پی گرفته اند که در بررسی و تنظیم پیش‌نویس این مصوبات بکار بسته بودند. اکنون در این مرحله از حیات حزبی و زندگی اجتماعی در شوروی، آن خصیصه‌ای که هر چه بیشتر تبارز می‌یابد، کاربرد گسترده و شجاعانه سلاح انتقاد و انتقاد از خود به منظور بهره‌گیری هر چه فزاینده‌تر از نیروی درونی عظیم سوسیالیسم است.

در این عرصه هنرمندان و همه آن‌هایی که در عرصه "آگاهی" فعالیت دارند، چه وظیفه‌ای برعهده دارند؟ این وظیفه را یوگنی یوتوشنکو، شاعر و نویسنده نامدار شوروی در آخرین کنگره بخش روسیاتحادپشتیبندگان شوروی، به طور دقیق و صریح تشریح کرد که در نشریه شوروی "لیتراتورنایا گازتا" بازتاب یافت. در زیر بخشی از این سخنرانی را می‌خوانید.

سنگ پناهی که از فرط حرارت، کف پا را می‌سوزاند. اما ادبیات روس، همیشه بر این سنگ ایستاده و خواهد ایستاد.

لنین در مکتب کلاسیک روس پرورش یافته بود. هنگامی که فلاکت و گرسنگی گریبان کشور را گرفته بود، او از این هراسی نداشت که بوروکراسی نوین شوروی و "کمونیست"های خودخواه را به یاد حمله بگیرد. حمایت لنین از مایاکوفسکی، دقیقاً به خاطر شعر

تولستوی می‌گوید: "در سر لوحه تاریخ باید چنین نوشت: من هیچ چیز را اکتفا نمی‌خواهم کرد. کافی نیست که از دروغ گفتن مستقیم پرهیز کنیم. باید بگوئیم از طریق مسکوت گذاشتن، غیر مستقیم دروغ نگوییم." و شچدرین چنین گفته است: "نقام خودستایی، می‌تواند باعث رویاهایی گردد که بی‌شک مطبوع است، اما در عین حال بیداری بسیار خجالت‌آوری را هم به دنبال دارد." عشق به حقیقت، این است سنگ پناهی معنوی مبارزه سیاسی،

رویدادهای تاریخی اند. شتاب بخشیدن به پیشرفت علمی-فنی، بدون شتاب بخشیدن به پیشرفت فکری، غیر قابل تصور است. خلقی که به خود اجازه دهد اشتباهات و تراژدی‌های خود را تحلیل کند، سلاح ایدئولوژیک را از دست دشمن خود می‌گیرد. چنین خلقی را دیگر در عرصه اندیشه نمی‌توان شکست داد. تنها شجاعت نگرستن به گذشته است که حل شجاعانه مسائل امروز را، که تنها راه حل درست است، ممکن می‌سازد...

وظیفه نویسنده در دورانی که سایه مهیب بمب اتمی روی سرماست، در این است که ناله زنده‌انسان سیاه‌چال‌های تخیلی، فریادهای سرکوب‌شده و بیراهه‌های بیروت، صدای اعتراض زنان انگلیسی که پایگاه موشکی گرین‌هایم را محاصره کرده‌اند، و آخرین زخمه گرسنگان اتیوپی را در بیاید. اما برای ما، خدمت به بشریت از میهن‌مان آغاز می‌شود. تنها کتمان نکردن و لایوشانی نکردن آنچه در کشورمان می‌گذرد، به ما از نظر اخلاقی اجازه می‌دهد انترناسیونالیست باشیم. این است بیکار جانب‌گیرانه سوسیالیستی.

ضد بوروکراتیک او بود. لنین با شجاعت "سیاست اقتصادی نوین" را در پیش گرفت، دقیقاً بدین خاطر که منافع خلقی گرسنه را برتر از هر چیز قرار می‌داد. لنین با این کوتاه‌فکری شهرستانی بیگانه بود که همیشه چشم به دهان اشراف‌زاده‌های خارجه‌نشین، به دهان ماریا آلکسیوناها، بدوزد. او می‌دانست که کتمان نکردن، نیرویی پلشتی زداست، می‌دانست که خودستایی، ویرانگر است.

تلاش کنونی برای دگرگونی زندگی به سوی بهبود، تلاشی که مدتها انتظار آن را کشیده‌ایم، در ما امیدهای بزرگ برمی‌انگیزد، این اطمینان را برمی‌انگیزد که خودستایی برای همیشه ریشه‌کن شود و لایوشانی نکردن، به معیار رفتار سیاسی بدل گردد. ما ادیبان اگر بدین اکتفا کنیم که تحولات اجتماعی خارج از اراده‌مان را تنها ثبت و ستایش نماییم، پیش‌روی ارزش نداریم. تعهد ما تنها این نیست که هنگام تحقق این تحولات بدان یاری رسانیم، بلکه باید از پیش بدون وقفه در تدارک دگرگونی‌ها بکوشیم. آثار واقعا سیاسی، تنها رویدادهای سیاسی را بازتاب نمی‌دهند، بلکه خود نیز

از رویدادهای ایران

آزادی متهمان انفجار نخست وزیری

دستگیری عده‌ای از کارکنان نخست‌وزیری توسط مقامات قضایی تهران که ناشی از شدت‌گیری درگیریهای درونی رژیم بوده است، به نوبه خود این درگیریها را تشدید کرد. چند ماه پس از این دستگیریها و پس از اینکه همه اقدامات جناح مقابل برای رهایی این عده بی‌نتیجه ماند، ۶۰ تن از وزرا و نمایندگان مجلس طی نامه‌ای به خمینی شکایت برده و از او تقاضای پشتیبانی کردند. آنها، دستگیرشدگان را "برادران مخلص و متعهد به اسلام" و "یاران رجائی" خواندند که که با اتهامات "ساختگی... در اسارت... خط بازیها و برچسپ‌ها و تله‌های گوناگون" گرفتارند.

به دنبال اقداماتی که در پی نوشتن این نامه صورت گرفت، مقامات قضایی تهران ناکزیر به عقب‌نشینی گردیدند و دادستانی کل جمهوری اسلامی اعلام داشت "متهمان شرکت در انفجار نخست‌وزیری، به دلیل فقدان هرگونه مدرک، آزاد شدند" و پرونده مختومه اعلام گردید. اما در این اطلاعیه هیچ اطلاعی پیرامون نحوه مرگ یکی از دستگیرشدگان در زندان داده نشده است.

این اقدام نتوانسته است کشاکش‌های میان دست‌اندرکاران رژیم را کاهش دهد. اینک هرروزه در مجلس طرفین ناهتکلی و فحاشی یا یکدیگر مقابله می‌کنند.

از درون همین جنبش به سوی آینده و به سوی روز "پهروزی ملت" ره کشود.

سلما در ذهن پردازندگان نمایشنامه "نوروز پیروز است" نیز همین "رویای واقعی"، همین اندیشه انتقادی جریان داشته است. اما آنان نخواسته‌اند از دل خود واقعیت و جنبه پالنده آن شروع به حرکت کنند. بدین گونه نمی‌توان به تغییر واقعیت دل بست. شکل‌گریزی و سیاست ستیزی راه نیست، چاه است، مسیری بد فرجام است، یک بدبینی بی‌سراشجام است.

جنبش در درجه نخست یعنی تشکیلات. چاره رنجبران وحدت و تشکیلات است! "پیروزی ملت" که خواست قلبی هنرمندان آزاده است تنها با تسلیم به اهرم تشکیلات میسر می‌گردد. بر این اعتقاد نیستیم که هنر باید تشکیلاتی شود، اما بر این اعتقاد هستیم که هنرمندان نباید به تحقیر تشکیلات بنشینند.

آرمان "پیروزی ملت" را سیاست و تشکیلات به واقعیت بالفعل تبدیل می‌سازد. تنها سیاست در مفهوم تشکیلاتی آن است که می‌تواند بر سرعت تحولات اجتماعی بیفزاید، بدان جهت دهد و پیروزی آن را تضمین کند. پردازندگان نمایشنامه "نوروز پیروز است" باید به این سخن یوتوشنکو، شاعر معاصر شوروی، عیقا ببیندیشند که می‌گوید: "ما ادیبان اگر بدین اکتفا کنیم که تحولات اجتماعی خارج از اراده‌مان را تنها ثبت و ستایش کنیم، پیش‌روی ارزش نداریم. تعهد ما فقط این نیست که تنها هنگام تحقق این تحولات بدان یاری رسانیم. بلکه باید بدون وقفه در تدارک دگرگونی‌ها از پیش ببیندیشیم!"

"قدرت بیشتر برای انجمن‌های اسلامی"

محتشمی وزیر کشور جمهوری اسلامی در گفتگویی با روزنامه اطلاعات مورخ اول خرداد ماه فاش ساخت که آئین نامه تصویب شده وزارت کشور در رابطه با انجمن‌های اسلامی ادارات و دوائر دولتی، از سوی این انجمن‌ها "توتو" شده است. محتشمی در این رابطه گفت: "اما مشکلی که داریم این است که آئین نامه اجرائی آن مورد رضایت برادران انجمن اسلامی نیست و در این آئین‌نامه‌ها برای انجمن‌های اسلامی در موسسات، ادارات، دستگاههای اجرائی و آموزشی نقش بر رنگی در نظر گرفته نشده است." محتشمی اظهار داشت که آئین نامه وتو شده جای خود را به آئین نامه دیگری خواهد داد.

اخبار کوتاه

* اطلاعات، سوم خرداد - خامنه‌ای رئیس جمهور، دولت را موظف ساخت تا حیات اقتصادی کشور را حول "فناخت" و "مبارزه با اسراف" برنامه ریزی کند.

* به منظور صرفه جویی در ارز، کلیه وزارتخانه‌ها و دوائر دولتی از چاپ و انتشار نشریات خود متنوع شدند.

* ۵۰۰ تن از کمک دندانه‌شکان تجربی به جبهه‌ها اعزام شدند.

* ۷۰۰ تن از پاسداران در سیستان و بلوچستان کشته شدند. (کیهان ۸ خرداد)

بقیه از صفحه آخر

صهیونیست‌ها علیه آن‌ها، بازتاب یافته است. بخش‌هایی از مقاله را درج می‌کنیم، تا در چهارمین سالگرد تجاوز اسرائیل به لبنان، یاد قهرمانی‌های خلق لبنان و فرزندان مبارزش را که شکست سختی نصیب کشورکشایان کردند، گرامی داریم.

* * *

زندانیان انصار، و در پیشاپیش همه آن‌ها کمونیست‌ها، به تاریخ مبارزات خلق ما علیه اشغالگران صهیونیست، صفحات درخشانی افزودند. آنان با پایداری بی‌نظیر، در برابر ددمنشانه‌ترین شکنجه‌ها نیز سرفروغ نیاوردند و حتی دست به اقدامات متهورانه‌ای نیز زدند.

اردوگاه انصار از بزرگترین بازداشتگاه‌هایی بود که مزدوران اسرائیلی بلافاصله پس از تجاوز به کشور ما در چهارم ژوئن ۱۹۸۲ در خاک لبنان ایجاد کردند. تجاوزگران، محوطه بزرگی را با سیم خاردار احاطه کرده و برج‌های نگهبانی مجهز به نورافکن بنا نمودند. اردوگاه به سی‌بلوک تقسیم شده بود. در هر بلوک، بیست چادر قرار داشت. در بلوک ویژه‌ای، زندانیان تحت شکنجه قرار می‌گرفتند. بدین بلوک نام "زندان بازجویی" داده بودند.

شمار زندانیان، میان ۶۵۰۰ و ۱۰۰۰۰ نفر در نوسان بود. اسراء، لبنانی‌ها و فلسطینی‌های مقیم جنوب لبنان، مناطق کوهستانی، غرب دره یقاع و بیروت بودند. در میان زندانیان، کودکان و سالخورده‌گان نیز دیده می‌شدند.

شکنجه باشوک الکتریکی

همه زندانیان به مجرد ورود به اردوگاه "بازجویی" می‌شدند بازجویی شامل کتک زدن و وارد آوردن شوک الکتریکی بود. برای شکستن زندانیان، اجازه خواب به آن‌ها نمی‌دادند، در سلول‌های دو متر در هفتاد سانت جایشان می‌دادند و یا آن‌ها را در گورهای از پیش کنده شده می‌افکندند و تهدید می‌کردند که زنده بگورشان می‌کنند. رفیق الیاس از زندانیان انصار می‌نویسد: کمونیست‌ها از اساس همه اتهامات را رد می‌کردند و از پاسخ دادن به سئوالات خودداری می‌ورزیدند. در بازجویی‌ها عموماً تلاش به عمل می‌آمد زندانیان و ادار به همکاری یا دشمن گردند. اگر زندانی کوچکترین عقب‌نشینی می‌کرد، فوراً برای ادامه بازجویی به

اسرائیل فرستاده می‌شد. "در غیر این صورت، شماره‌ای به او تعلق می‌گرفت و به زندانی اردوگاه انصار تبدیل می‌شد.

قبل از بازجویی، معمولاً دست و پای زندانی را می‌بستند و دوروزه او غذائی دادند. نمی‌گذاشتند بخوابد، مرتب به روی او آب می‌ریختند و وادارش می‌کردند فریادهای شکنجه‌شدگان را بشنود. بدین ترتیب

برای تقویت روحیه زندانیان، در محافل آن‌ها از گفتگو درباره همسران و فرزندان آنان و همه موضوع‌هایی که می‌توانست به احساساتشان مربوط شود، خودداری به عمل می‌آمد. در صورت تضعیف روحیه یک فرد، دیگران به او کمک می‌کردند. به بیماران جیره بیشتری تعلق می‌گرفت. همه تلاش‌های زندانیان برای جدا کردن بخشی از

بازداشتگاه انصار، مظهر پایداری میهن پرستان



بازجویی از یک زندان فلسطینی در اردوگاه انصار

زندانیان از دیگران از طریق دادن امتیازات به آن‌ها، با شکست روبرو گردید.

زندانیان برای مذاکره با مسئولین اردوگاه، نمایندگان انتخاب کرده بودند. بعدها کمیته مشترکی بدین منظور ایجاد شد. کمونیست‌ها در ایجاد این کمیته نقش مهمی داشتند.

مشی اتحاد همه نیروها، که از سوی اعضا و هواداران حزب ما و سایر زندانیان آگاه در بازداشتگاه دنبال می‌گردید، عزم و روحیه مقاومت اسراء را بالا می‌برد و اعتقاداتشان به شکست دشمن راسخ‌تر می‌کرد.

مقاومت جمعی، اشکال گوناگون داشت. در ابتدای امر، زندانیان شب‌ها طبق قرار قبلی قاشق‌ها و کاسه‌های فلزی خود را به صدا درمی‌آوردند و یا سرودهای میهنی می‌خواندند. بعدها شیوه‌هایی نظیر اعتصاب غذای جمعی در اعتراض به قطع جیره برخی زندانیان و یا رفتار خشونت‌آمیز با آن‌ها به این اشکال اضافه شد. در مواردی حتی زندانیان چادرهای خود را به آتش کشیدند، به جان زندانیان افتادند و آن‌ها را کتک زدند و گاه اسلحه آن‌ها را از

چنگ آن‌ها درآوردند. چندین مورد تلاش برای فرار جمعی صورت گرفت. علی‌رغم شرایط سخت، زندانیان برگزاری مراسم روزهای مهم از قبیل روز استقلال لبنان، سالگرد آغاز جنبش فلسطین، زاد روز حزب کمونیست لبنان و سالگرد قتل کمال جنبلاط را فراموش نمی‌کردند.

نقب ۲۷ متری

۲۷ زندانی در کندن یک نقب ۲۷ متری که مستقیماً یکی از بلوک‌ها را به خارج از اردوگاه متصل می‌کرد، شرکت داشتند. این نقب، در عمق ۲/۵ متری جریان داشت. چهار زندانی از طریق این نقب موفق به فرار شدند. به دنبال این واقعه، محل اردوگاه تغییر و به دره‌ای میان دو تپه انتقال یافت. اما زندانیان دست بردار نکردند.

از محل جدید اردوگاه نیز در سالگرد انعقاد قرارداد ننگین لبنان و اسرائیل گروهی از زندانیان به فرماندهی احمد علی رمضان، عضو حزب ما، فرار کردند. رمضان خود هنگامی که مراقب فرار دوستانش بود، شهید شد.

اعتراضات زندانیان، فرارهای آن‌ها و نیز حملات دائمی جنبش مقاومت به اشغالگران در بیرون از زندان، روحیه متجاوزین را تضعیف کرده بود.

صصتین سالروز بنیانگذاری حزب کمونیست لبنان در ۲۴ اکتبر ۱۹۸۴، به روز نمایش روحیه قوی و عزم راسخ زندانیان تبدیل شد. از روزها قبل، تدارک برگزاری مراسم آغاز شد. به مناسبت این سالگرد، شماره ویژه‌ای از نشریه مخفی "انصار" انتشار یافت.

زندانیان انصار و همه خلق ما، با اقدامات خود نشان دادند که از اشغالگران و شکنجه‌های وحشیانه و سیم‌های خاردار آن‌ها قوی‌ترند. بالاخره روزی فرار رسید که اسرائیل تحت فشار جنبش مقاومت میهنی که در اردوگاه و در همه مناطق اشغالی گسترش یافته بود، ناچار شد اردوگاه انصار را برچیند. اکثر زندانیان آزاد شدند، اما برخی از آن‌ها به زندان‌های اسرائیل و یا سایر اردوگاه‌های جنوب لبنان انتقال یافتند.

یک‌گذار همه مردم شریف جهان صدای خود را یکپارچه بلند کنند، شیوه‌های نازی‌مانانه صهیونیست‌ها را محکوم سازند و خواستار آزادی فوری همه زندانیان ربوده شده از لبنان که هم اکنون در زندان‌های اسرائیل به سر می‌برند، گردند.

دکتر نجیب: پایگاه اجتماعی انقلاب افغانستان گسترش می‌یابد

ایفا می‌کنند و افزود در انجام این رسالت، مدافعین مرزها باید اقدامات خود را با قبایل مرزنشین هماهنگ کنند.

نجیب‌الله بر اهمیت ادامه تحکیم دوستی افغانستان و اتحاد شوروی تاکید ورزید. وی خاطر نشان ساخت مردم شوروی در طول ده‌ها سال، در دوره‌های سخت به خلق افغانستان یاری رسانده‌اند. دبیرکل حزب دمکراتیک خلق افغانستان گفت امروز نیز اتحاد شوروی کمک‌های بی‌شائبه‌ای به افغانستان می‌کند که مردم افغانستان آن را مرکز فراموش نخواهند کرد.

دکتر محمد نجیب دبیر کل کمیته مرکزی حزب دمکراتیک خلق افغانستان طی یک سخنرانی در مرکز آموزش پاسداران مرزهای افغانستان در کابل اظهار داشت علی‌رغم جنگ اعلان نشده‌ای که امپریالیسم و ارتجاع علیه جمهوری دمکراتیک افغانستان به راه انداخته‌اند، سازندگی اقتصادی در این کشور با موفقیت انجام می‌گیرد و پایه‌های اجتماعی انقلاب روبه گسترش است.

رهبر حزب دمکراتیک خلق افغانستان گفت پاسداران مرزی در دفاع از سرحدات کشور در برابر باندهای ضد انقلابی کسپل شده از خارج، نقش بزرگی

کنگره جهانی پزشکان علیه جنگ هسته‌ای

ششمین کنگره جهانی اتحادیه بین‌المللی پزشکان برای جلوگیری از جنگ هسته‌ای، در کلن (آلمان فدرال) به کار خود پایان داد. نمایندگان ۱۵۰ هزار عضو این اتحادیه از سراسر جهان فراخوانی برای قطع فوری همه آزمایش‌های هسته‌ای تصویب کردند. کنگره همچنین تلاش برای نظامی کردن کیهان از سوی دولت آمریکا را محکوم نمود و خواستار استفاده از فضا برای مقاصد صلح آمیز به جای اجرای طرح "ایستار دفاعی استراتژیک" دولت ریگان گردید. در فراخوان کنگره کلن، ایالات متحده و اتحاد شوروی به توقف فوری همه انفجارهای اتمی دعوت گردیده‌اند و از ریگان رئیس‌جمهور آمریکا خواسته شده است به "ایستار تاریخی" اتحاد شوروی در مورد قطع آزمایش‌های هسته‌ای بپیوندد. پزشکان در قطع نامه پایانی کنگره خود تاکید کرده‌اند: "از آنجا که علم پزشکی نمی‌تواند پاسخی برای عواقب دهشتناک جنگ اتمی بیابد، پزشکان در سراسر جهان با تلاش جهت جلوگیری از این "آخرین اپیدمی" احساس مسئولیت خود را نشان داده‌اند."

پس از پایان کار کنگره جهانی پزشکان علیه جنگ هسته‌ای، پروفسور یوکنی چاسوف (اتحاد شوروی) و پروفسور برنارد لاون (آمریکا) رهبران این اتحادیه به مسکو رفته و طی یک کنفرانس مطبوعاتی، بار دیگر خواستار قطع آزمایش‌های هسته‌ای شدند. رهبران "اتحادیه پزشکان..." برای آگاه کردن افکار عمومی جهان از نتایج کار کنگره کلن، به یکن و توکیو نیز سفر خواهند کرد.

ند ارک اعتصاب سراسری در آفریقای جنوبی



پلیس آفریقای جنوبی با شلاق به جان دانشجویان دانشگاه ژوهانسبورگ افتاده است.

اتحادیه سندیکایی آفریقای جنوبی (کوسا تو)، ائتلاف ضد آپارتاید موسوم به "جهبه متحد دمکراتیک" و سازمان دانش آموزی سراسری این کشور به نام "کمیته ملی بحران آموزشی" طی فراخوان مشترکی همه مردم آفریقای جنوبی را برای روز شائزدهم ژوئن که دهمین سالگرد سرکوب خونین قبان جوانان "سوتو" است، دعوت به اعتصاب عمومی کردند. قرار است در این روز کار در سراسر کشور متوقف گردیده و گردهمایی‌های اعتراضی علیه رژیم آپارتاید برگزار شود. اسقف "توتو" رهبر کلیسای پروتستان آفریقای جنوبی نیز از این فراخوان حمایت به عمل آورده است.

در شائزدهم ژوئن ۱۹۷۶، نزدیک به ۶۰۰ کودک و نوجوان در سوتو توسط نیروهای سرکوبگر به قتل رسیدند. تنها "گلانه" آن‌ها، شرکت در اعتراضات علیه نظام آموزشی و شرایط زندگی فلاکت بار تحمیل شده از سوی نژادپرستان بود.

از سوی دیگر، جنابایت پلیس رژیم پرتوریا علیه مردم آفریقای جنوبی ادامه دارد. سه شنبه گذشته یک نوجوان در حوالی کیپ‌تاون به ضرب گلوله پلیس به قتل رسید. یک کمیته زنان سفیدپوست، با

اخبار کوتاه

* حزب کمونیست پاراگوئه به همه نیروهای اپوزیسیون این کشور برنامه حد اقلی برای سرنگونی رژیم استروسی پیشنهاد کرده است. مفاد این برنامه، از جمله عبارت است از لغو مقررات ۲۲ ساله حکومت نظامی، عفو یاقید و شرطه زندانیان سیاسی و روشن شدن سرنوشت همه ناپدید شدگان، از بین بردن دستگاه سرکوب و احیای حقوق بشر، افزایش حقوق و دستمزد زحمتکشان و نیز تقسیم زمین میان دهقانان.

* دوازدهم رئیس‌جمهور السالوادور با از سرگیری مذاکرات با جنبش رهایی‌بخش السالوادور که از مدتها پیش خواست نیروهای رهایی‌بخش این کشور بود، موافقت نمود. وی این تصمیم خود را در سخنرانی به مناسبت دومین سالگرد آغاز دوره ریاست جمهوری، اش اعلام کرد. ناظران سیاسی، این امر را نشانه شکست تلاش‌های ارتش و مستشاران آمریکایی برای درهم شکستن جنبش رهایی‌بخش می‌دانند.

* مرحله دوم انتخابات ریاست جمهوری دراتریش در هفته گذشته پایان یافت. کورت والدهایم دبیر کل سابق سازمان ملل متحد که از پشتیبانی نیروهای راست اتریش برخوردار بود توانست با پیروزی ضعیفی رقیب خود را از حزب سوسیال دمکرات شکست داده و به مقام ریاست جمهوری دست یابد.

انتشار گزارشی، جزئیاتی از اعمال شکنجه‌های وحشیانه علیه کودکان و نوجوانان دستگیر شده توسط پلیس را افشا نمود. در این گزارش آمده است علیه زندانیان خردسال، از شوک الکتریکی و سایر شیوه‌های شکنجه استفاده می‌شود.

هشدار حزب کمونیست هند پیرامون فعالیت "جمعیت اسلامی کشمیر"

کودکان شش ساله "بدترین نوع نفرت و انحصاف ناپذیری مذهبی" را می‌آموزند. "عصر جدید" می‌نویسد "جمعیت اسلامی" کشمیر از "کشورهای خارجی" کمک می‌گیرند و قصد دارند به حیات قرارداد تاریخی ۱۹۷۵ خاتمه دهند. این قرارداد مبنای پذیرفته شده‌ای برای تنظیم مناسبات دولت مرکزی و نیروهای کوناگون محلی کشمیر است. قرارداد فوق در سال ۷۵ توسط ایندیپندنتی و رهبران مسلمانان کشمیر امضا گردید.

لازم به یادآوری است که علاوه بر سازمان‌های جاسوسی و ارکان‌های تبلیغاتی امپریالیستی، مطبوعات و رسانه‌های گروهی جمهوری اسلامی نیز با پوشش "دفاع از مسلمانان کشمیر" از فعالیت نیروهای ارتجاعی مذهبی در این منطقه و توطئه چینی آن‌ها علیه تمامیت هند حمایت می‌کنند.

هفته‌نامه "عصر جدید" ارکان مرکزی حزب کمونیست هند در شماره اول ژوئن خود، با چاپ گزارش میسوطی از کشمیر، نسبت به فعالیت "جمعیت اسلامی" در این منطقه از هندوستان هشدار داده است. در این گزارش آمده است در کشمیر، آرامش قبیل از توفان حاکم است و "ابراهیم تیره بنیادگرایی هارومتجاوز" در افق پدیدار گشته است. ملاهای متعصب، ماه رمضان را فرصت مناسبی دانسته‌اند تا با حمایت سازمان موسوم به "جمعیت اسلامی" تخم تعصب و نفرت مذهبی علیه اقلیت‌های کشمیر را بپراکنند. به نوشته "عصر جدید"، شعار "جمعیت اسلامی" و ملاها این است: "مسلمان نمی‌تواند در کشور کفار زندگی کند." تحت این شعار، گرایش‌های تجزیه طلبانه دامن زده می‌شود.

در گزارش مزبور آمده است افراطیون اسلامی با استفاده از شبکه مدارس خود در کشمیر، حتی به

"شفق شمالی" ۸۰ ساله شد

شرکت هیأتی از سوی سازمان ما، در جشن هشتاد و هفتمین سالگرد نشریه "شفق شمالی" ارگان حزب کمونیست کارگری سوئد

میزان فوق العاده ای افزوده شد و به ارگان کارگران مبدل گردید. این روزنامه نفوذ زیادی در میان کارگران سوئد کسب کرد. در سال ۱۹۴۰ فاشیست ها دفتر این روزنامه را منفجر کردند که طی آن پنج نفر کشته شدند. علت این اقدام کوشش پیگیرانه نشریه برای اتخاذ سیاست عدم تعهد توسط سوئد و عدم همکاری این کشور با ارتش هیتلری بود...

در حالیکه در سوئد ۱۰۰ نشریه منتشر می شود، تداوم انتشار شفق شمالی تنها با اتکا به استواری در مواضع ایدئولوژیک و خواسته های مبارزاتی ممکن گردیده است. در نتیجه این مواضع، کارگران کمک های مالی فراوانی برای شفق شمالی ارسال می کنند. با اتکا به چنین حمایتی اکنون در صد همتیم با انتقال دفتر نشریه از شمال به استکهلم، آن را به نشریه ای سراسری مبدل کنیم. به این طریق به مناطق پرجمعیت و مراکز تمرکز کارگران صنعتی نزدیکتر خواهیم شد...

شفق شمالی تنها نشریه سوئدی است که به گونه ای صریح و منطقی آشکار می سازد صلح را چه نیروهایی تهدید می کنند و چگونه اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی و نیروهای دمکرات از صلح دفاع می نمایند... این نشریه وظیفه خود می داند که در برابر سلطه سرمایه، نیروهای طبقه کارگر را بسیج و سازماندهی کند.

... شعارهای صلح و کار، محور بیشترین مقالات نشریه ماست. این نشریه هم چنین به وظیفه انترناسیونالیستی خود آگاه است...

در روزهای سوم و چهارم خرداد در سوئد در شهرهای استکهلم و امئو، جشن های شگومند هشتادمین سالگرد نشریه شفق شمالی (نورشن فلامان) با شرکت عده کثیری از مردم و با استقبال وسیع کارگران برگزار گردید. در جشن استکهلم نمایندگان از نشریات کشورهای سوسیالیستی و هیات هایی از سوی احزاب و سازمان های کمونیستی و کارگری دیگر کشورها شرکت داشتند.

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) که از مدعوین این جشن بزرگ کمونیست های سوئد بود، با اعزام هیأتی همبستگی خود را با کارگران و نیروهای مترقی این کشور در پیکار در راه صلح و سوسیالیسم ابراز داشت. غرفه ای که فدائیان خلق در این مراسم برپا کرده بودند، جنبایات رژیم خمینی و جلوه هایی از رژیم مردم ایران را علیه این رژیم قرون وسطایی بازتاب می داد. شرکت کنندگان در این جشن ضمن بازدید از غرفه فدائیان خلق، با مردم ایران در مبارزه علیه رژیم جمهوری اسلامی ابراز همبستگی می کردند.

در سالگرد بنیانگذاری "شفق شمالی"، رفیق "الف لونیوری" سردبیر این نشریه در مصاحبه ای با "اکثریت" گوشه هایی از تاریخ پرفراز و نشیب ارگان کارگران این کشور را برای خوانندگان اکثریت تشریح کرد. رفیق "لونیوری" در پاسخ به پرسش خبرنگار ما اظهار داشت: "شفق شمالی روزنامه ای به تمام معنی کارگری است. اولین شماره آن توسط کارگران معادن شمال تهیه و منتشر شد. به تدریج بر تیراژ آن به

اخراج رهبری سازمان مجاهدین خلق از فرانسه

می تواند بعنوان یک پناهنده کلاسیک در فرانسه اقامت داشته باشد و دولت فرانسه هیچ تعهدی برای حفظ امنیت او نمی پذیرد." در همین روز وزیر کشور کابینه شیراک، طی یک مصاحبه اعلام داشت که "قبول پناهندگی از طرف فرانسه بر پایه عدم فعالیت سیاسی" و هم چنین "عدم به مخاطره انداختن" مناسبات دولت فرانسه با کشور مورد نظر خواهد بود.

شرط اول از دوشرطی که وزیر کشور فرانسه اعلام داشته است، تمامی نیروهای سیاسی ایرانی مقیم این کشور را در بر می گیرد. شرط دوم گامی فراتر از آن است که مطابق آن حتی حضور غیر فعال یک پناهنده ایرانی در فرانسه، می تواند "به مخاطره انداختن" مناسبات با جمهوری اسلامی تلقی شود. دولت فرانسه با پیش کشیدن چنین شرط و پیمانه ای، حق اخراج همه ایرانیان پناهنده را برای خود قائل شده است.

اکنون با زدوبند دولت امپریالیستی فرانسه و رژیم جمهوری اسلامی موقعیت و حتی امنیت فعالین سازمان های سیاسی مترقی ایرانی در فرانسه و تمامی پناهندگان جدا دجار مخاطره شده است. وادار ساختن رهبری سازمان مجاهدین خلق به اجتناب از فعالیت سیاسی در فرانسه و خروج از این کشور، گام بلندی در این راستا است و نباید بعنوان آخرین گام تلقی شود. توهم پایداری دولت های امپریالیستی و ارتجاعی به موازین دمکراتیک و تعهدات پذیرفته شده، نتایج تلخی به بار می آورد. در "مهد آزادی" پورژوایی، حتی ابتدائی ترین حقوق یک پناهنده سیاسی نیز می تواند وجه المصلحه تا مین منافع انحصارات امپریالیستی گردیده

به دنبال آهاز گرمی مناسبات پاریس و تهران در هفته گذشته فشارهای دولت فرانسه بر اپوزیسیون مترقی ایرانی مستقر در این کشور شدت بیشتری گرفت. و در ادامه آن در روز شنبه ۱۷ خرداد نیروهای امنیتی و پلیس فرانسه طی یک اقدام پشیمانه و گستاخانه وارد دفتر کار رهبری سازمان مجاهدین خلق و محل سکونت مسئولین این سازمان در اورسوراواژ گردیدند. آنها ضمن تجسس در این محل و کلدوکار اطلاع های دفتر، پیش از ۵ تن از مسئولین سازمان مجاهدین خلق را، که در محل حضور داشتند، مورد بازرسی قرار دادند. در پی این اقدام مسعود رجوی نیز وادار به ترک پاریس گردید. بگفته رادپو فرانسه، وی در بعد از ظهر همین روز به اتفاق ۵ تن از همراهانش از طریق فرودگاه اوژه، پاریس را ترک گفت. خبرنگارینها مقصد بعدی وی را بغداد اعلام داشتند. منابع خبری سازمان مجاهدین خلق اعلام داشتند که مسعود رجوی به اتفاق همسرش در ساعت ۱۲ نیمه شب وارد بغداد گردید.

رهبری سازمان مجاهدین خلق در هفته های اخیر کوشش بسیاری بکار برده بود تا بتواند مقامات فرانسوی را به قبول ادامه اقامت خود در پاریس متقاعد نماید. به گفته تلویزیون فرانسه مسعود رجوی در طی چهار روز آخر اقامت خود در فرانسه، سه بار با مقامات ذریع فرانسوی دیدار و گفتگو داشت. حمله جنجالی پلیس فرانسه در پی این دیدارها صورت گرفت.

در روز ۱۷ خرداد تلویزیون فرانسه گزارش داد که از سوی مقامات فرانسوی به سازمان مجاهدین خلق اعلام شده بود که "از این تاریخ فعالیت این سازمان را به شکل گذشته تحمل نخواهد کرد. مسعود رجوی فقط

بازداشتگاه انصار، مظهر پایداری میهن پرستان

بازداشتگاه مخوفی در جنوب لبنان می کردند، جهنم انصار. هنگامی که با مبارزات قهرمانانه مردم لبنان، ارتش اسرائیل وادار به آزادی زندانیان و تخلیه اردوگاه گردید، دیگر نام "انصار" بر صفحه ای درخشان از تاریخ پیکار خلق های عرب علیه امپریالیسم و صهیونیسم ثبت شده

برای مردم جهان، "بازداشتگاه انصار" نام آشنایی است. صهیونیست ها پس از یورش چنانیکارانه شان به لبنان، برای درهم شکستن مقاومت میهن پرستان این کشور، دسته دسته مبارزان و افرادی را که حدس می زدند یا جنبش پایداری در تاسند، دستگیر کرده و روانه

بود. "انصار" به جایگاه پرشورترین پایداری ها و قهرمانی ها تبدیل گردید.

نشریه " " مسائل صلح و سوسیالیسم" در شماره ۵ امسال خود، مقاله ای به قلم ر. سهون، عضو دفتر سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست لبنان به چاپ رسانده است. در این مقاله، گوشه ای از مقاومت دلیرانه زندانیان انصار و نیز جنبایات بقیه در صفحه ۱۰

باجمع آوری کمک مالی
فدائیان خلق را در انجام
وظایف انقلابی یاری دهید!

AKSARIYAT
NO. 110
MONDAY JUN. 9. 86
Address:
RUZBEH
POSTFACH 1810
5100 AACHEN
W. GERMANY